

کارت‌های اعتباری در پرتو فقه و شریعت

دکتر محمد رواس قلعه‌جی *

ترجمه: سیدعباس موسویان **

چکیده

با پیشرفت زمان جهت تسهیل امر مبادلات، شیوه‌ها و ابزارهای جدیدی ابداع می‌شود که برخی از آن‌ها با فقه اسلامی انطباق کامل ندارند. فقیهان و حقوقدانان مسلمان مسئولیت دارند با شناخت آن‌ها موضع اسلام را تعیین، و مسلمانان را هدایت کنند. از جمله این ابزارها که گسترش سریعی در دنیا و کشورهای اسلامی دارد، کارت‌های اعتباری است. دارنده کارت می‌تواند در هر زمانی به پول نقد دست‌یافته یا بدون پرداخت پول از کالاها و خدمات مراکز تجاری و خدماتی استفاده کند. در معامله با این ابزار، عناصر متعددی چون صادر کننده کارت اعتباری، دارنده کارت اعتباری و پذیرنده کارت اعتباری دخالت دارند که روابط حقوقی بین آن‌ها و درآمد و منافع هر یک از آن‌ها از دیدگاه فقهی محل بحث و اختلاف نظر است.

مقاله حاضر با تبیین دیدگاه‌های مطرح درباره روابط حقوقی عناصر دخیل در معاملات

* استاد دانشکده شریعت دانشگاه کویت.

** استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کارت‌های اعتباری و ماهیت درآمد و منافع هر یک از عناصر، به استدلال دیدگاه برگزیده می‌پردازد و در نهایت معاملات مجاز و غیرمجاز با کارت‌های اعتباری را از دیدگاه فقیهان و حقوقدانان معاصر اهل سنت تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: کارت‌های اعتباری، صادرکننده کارت، دارنده کارت، پذیرنده کارت، حواله، وکالت، قرض، کفالت، جریمه تأخیر.

مقدمه مترجم

با پیشرفت زمان، اندیشه‌وران و فعالان بازار، شیوه‌ها و ابزارهای جدیدی را در عرصه تجارت ابداع می‌کنند تا نیازهای معاملی مردم را با سهولت پاسخ دهد؛ اما همه آن‌ها بر اساس اصول و مبانی پذیرفته شده در نظام خاصی طراحی می‌شوند و با آموزه‌های اسلام انطباق کامل ندارند. دانشمندان دلسوز و فقیهان آگاه مسؤلیت دارند با شناخت صحیح از شیوه‌ها و ابزارهای جدید، موارد مجاز و سودمند را تأیید، و زمینه‌های رشد را فراهم کنند. در مقابل، موارد غیرمجاز و غیرمفید را معرفی، و از گسترش آن‌ها میان مسلمانان جلوگیری کنند یا درصدد اصلاح موارد قابل اصلاح برآیند. از جمله ابزارهای جدید کارت‌های اعتباری است که به سرعت گسترش می‌یابد و این در حالی است که ابعاد فقهی آن‌ها قابل بحث و بررسی است.

نوشته حاضر که فصلی از کتاب *المعاملات المالیة المعاصرة فی ضوء الفقه و الشریعة** است، به بررسی موضوع شناسی و فقهی کارت‌های اعتباری می‌پردازد. دکتر محمدرواس قلعه‌جی که با علم اقتصاد، فقه و حقوق اسلامی آشنا، و استاد دانشکده شریعت دانشگاه کویت است، ابعاد گوناگون معامله با کارت‌های اعتباری را از دیدگاه فقیهان و حقوقدانان معاصر بررسی، در هر زمینه، دیدگاه خود را به صورت استدلالی ارائه می‌کند. گرچه مقاله بر اساس فقه اهل سنت نگارش شده است و در مواردی با فقه شیعه تفاوت دارد، به جهت غنای علمی و تشابه بسیار با فقه معاملات شیعه، از جهت نظری و کاربردی قابل استفاده است.

تعریف کارت اعتباری

کارت اعتباری، سندی مخصوص است که بانک یا مؤسسه مالی صادر می‌کند، دارنده کارت

* المعاملات المالیة المعاصرة فی ضوء الفقه و الشریعة، محمدرواس قلعه‌جی، کویت، دارالفنانش، اول، ۱۴۲۰ ق.

می‌تواند به وسیله آن، از کسی که معامله با کارت اعتباری را می‌پذیرد، کالا، خدمات و پول نقد دریافت کند تا او قیمت کالاها، خدمات و معادل پول نقد را از صادرکننده کارت دریافت دارد و دارنده کارت در زمان آتی به صادرکننده بپردازد.

تاریخچه کارت اعتباری

تاریخ کارت‌های اعتباری به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد؛ زمانی که شرکت نساجی انگلستان، بن‌هایی را بین کارکنان خود توزیع کرد، کارکنان می‌توانستند به وسیله آن بن‌ها، نیازمندی‌های خود را از مراکز تجاری بخرند بدون این‌که پولی بابت خرید بپردازند. شرکت نساجی، بهای نیازمندی‌های خریداری شده را به صاحبان مراکز تجاری می‌پرداخت؛ سپس معادل آن را از کارکنان خود (مشتریان مراکز تجاری) می‌گرفت.

فواید کارت‌های اعتباری

کارت‌های اعتباری برای صاحبان کارت، صادرکنندگان کارت و مراکز تجاری که حاضر می‌شوند با کارت‌های مذکور معامله کنند، فواید بسیاری دارد. برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. فواید کارت‌های اعتباری برای صاحب کارت

۱. دارنده کارت، موقعیت اجتماعی بالایی را احساس می‌کند. بسیاری از دارندگان کارت‌های اعتباری را مشاهده می‌کنیم که به داشتن آن مباهات می‌کنند.
۲. دارندگان کارت از خطر سرقت و غصب اموال امنیت دارند. همین‌طور از تعذیاتی که به غرض سرقت اموال صورت می‌گیرد، در امان هستند. دارنده کارت، هر زمان بخواهد می‌تواند به پول نقد دست یابد و ضرورتی برای نگهداری پول اضافی نمی‌بیند.
۳. بهای نیازمندی‌های خریداری شده، به آسانی به مراکز تجاری پرداخت می‌شود.
۴. دستیابی به پول نقد (هر موقع که لازم باشد) به آسانی میسر است.
۵. دستیابی به خدمات بسیاری از مراکز اقتصادی مانند:
 - ۱-۵. خدمات تلفن‌های بین‌المللی؛ صاحب کارت می‌تواند بدون پرداخت پول نقد - هر وقت بخواهد - از مکالمات اجاره‌ای بین‌المللی استفاده کند.
 - ۲-۵. خدمات هتل‌ها، رستوران‌ها و شرکت‌های هواپیمایی؛ وقتی بین این مراکز خدماتی و صادرکننده کارت قرارداد باشد، صاحب کارت می‌تواند بدون پرداخت پول نقد از خدمات آن‌ها استفاده کند.

۳-۵. خدمات بیمه: اگر بلیت سفر به وسیله کارت اعتباری خریداری شود، دارنده آن در قبال حوادث سفر بیمه می‌شود.

انتظار است در آینده خدمات پیش‌تری برای دارنده چنین کارت‌هایی ارائه شود.

ب. فواید کارت‌های اعتباری برای صادرکننده

۱. عوارضی که در برابر صدور کارت به دست می‌آورد؛ مانند حق صدور کارت و حق عضویت؛
۲. بهره‌ای که از دارنده کارت می‌گیرد. زمانی که دارنده کارت در تصفیه حساب صادرکننده کارت تأخیر کند و بهای کالاها و خدمات خریداری شده را به موقع نپردازد، بهره‌ای به صورت جریمه به صادرکننده کارت می‌پردازد.
۳. کارمزدی که از تاجران دریافت می‌کنند؛ تاجرانی که معامله با کارت اعتباری را می‌پذیرند.
۴. ذخیره نقدینگی نزد بانک در سایه سپرده‌هایی که برای گرفتن کارت اعتباری افتتاح می‌شوند؛ چرا که بیش‌تر بانک‌ها فقط برای صاحبان حساب، کارت اعتباری صادر می‌کنند.
۵. تبلیغات برای بانک، مراکز تجاری که به معامله با کارت‌های اعتباری بانکی حاضر هستند، آن را به صورت عمومی اعلان می‌کنند و این تبلیغات تجاری به نفع بانک صادرکننده است.
۶. جذب مشتریان جدید برای مؤسسه‌ای که کارت اعتباری صادر می‌کند.

ج. فواید کارت‌های اعتباری برای تاجران

۱. ضمانت صادرکننده کارت، بدهی‌های حاصل از بهای کالاهایی که دارندگان کارت خریداری می‌کنند، به وسیله صادرکننده کارت ضمانت می‌شود و این ضمانت، ضمانتی قابل قبول و موثق است.
۲. افزایش مشتریان، و به دنبال هر مشتری سودی است.

روابط عناصر مرتبط کارت‌های اعتباری

أ. روابط بین صادرکننده و دارنده کارت

۱. تعهدات صادرکننده کارت

- ۱-۱. متمکن کردن دارنده کارت بر دستیابی وی به پول نقد؛
- ۲-۱. پرداخت بهای کالاها خریداری شده به وسیله دارنده کارت؛
- ۳-۱. اعطای مهلت برای پرداخت بهای کالاها خریداری شده، که در غالب موارد این مهلت تا

سی روز است؛

۴-۱. اعطای برخی امکانات دیگر چون خدمات هتل، بیمه حوادث سفر و....

۲. تعهدات دارنده کارت

۱-۲. گشایش حساب نزد صادرکننده کارت. برخی صادرکنندگان کارت چنین شرطی ندارند؛

۲-۲. اعطای تضمین و امنیت مالی، اگر دارنده کارت حساب ندارد. برخی صادرکنندگان کارت چنین شرطی ندارند؛

۳-۲. پرداخت حق اشتراک و حق صدور کارت، اگر صادرکننده چنین شرطی داشته باشد؛

۴-۲. برنگرداندن کالاهای خریداری شده به تاجر، برای به دست آوردن بهای آنها؛

۵-۲. پرداخت مبالغی که به تاجر پرداخت شده، به پول رایج کارت اعتباری؛

۶-۲. پرداخت مبالغ استحقاقی صادرکننده کارت، با قطع نظر از این که استفاده کننده از کارت چه کسی بوده است.

ب. روابط بین صادرکننده کارت و تاجر

صادرکننده کارت متعهد است تمام بدهی های ناشی از به کارگیری کارت اعتباری را بپردازد.

۲. تعهدات تاجر

- ۱-۲. نصب آگهی قبول کارت اعتباری در محل مناسب؛
- ۲-۲. قبول تمام کارت های اعتباری، غیر از کارت های سوخته، پایان یافته و کارت هایی که در فهرست سیاه قرار دارند؛
- ۳-۲. عدم مطالبه بهای کالاهای فروخته شده و عدم مطالبه تخفیف های توافق شده بین تاجر و صادرکننده کارت و عدم مطالبه هیچ وجه نقدی دیگر.

ج. روابط بین دارنده کارت و تاجر

۱. تعهدات تاجر

تعهد تاجر در برابر دارنده کارت این است که هیچ مبلغی را مطالبه نکند.

۲. تعهدات دارنده کارت

تعهد دارنده کارت در برابر تاجر این است که از حد اعتباری کارت تجاوز نکند.

حکم شرعی کارت‌های اعتباری

در تطبیق حکم شرعی کارت‌های اعتباری، میان فقیهان معاصر، دیدگاه‌هایی وجود دارد.

أ. حواله

برخی از فقیهان و حقوقدانان معاصر مانند دکتر وهبه الزحیلی، دکتر عبدالله بن منیع و دکتر رفیق المصری، معامله با کارت‌های اعتباری را از باب حواله می‌دانند. هیأت شرعی مجموعه «دلة البركة» نیز چنین عقیده‌ای دارند.

تصویر عقد حواله در کارت‌های اعتباری

۱۳۲

اقتصاد اسلام

سال
تولید
تابستان ۱۳۸۳

دارنده کارت اعتباری، کالایی را از تاجر می‌خرد و تاجر، بهای کالا را از او می‌خواهد. او به جای پرداخت بهای کالا، تاجر را به صادرکننده کارت اعتباری حواله می‌دهد؛ یعنی دارنده کارت موافقت پیشین صادرکننده را به همراه دارد. موافقت بر این که هر چه او بخرد، وی بهایش را خواهد پرداخت، و این موافقت روزی بوده است که صادرکننده کارت با مشتری قرارداد بسته و کارت را در اختیار او گذاشته است. با علمیات حواله، مطالبه تاجر از دارنده کارت به پایان می‌رسد.

نقد نظریه حواله

ارکان عقد حواله چهار چیز است: حواله شونده که در این جا تاجر است. حواله دهنده که در این جا دارنده کارت است. کسی که بر او حواله می‌شود که در این جا صادرکننده کارت است و بدهی که در این جا دو تا بدهی هست: یکی بدهی دارنده کارت (حواله دهنده) به تاجر و دیگری بدهی دارنده کارت به صادرکننده کارت که مثل بدهی نخست است.

برای توضیح انطباق معامله با کارت اعتباری بر عقد حواله، دو حالت متصور است که با هم فرق دارند.

حالت اول: این که دارنده کارت نزد صادرکننده، پشتوانه یا تضمین مالی داشته باشد. در این حالت، شرایط حواله کامل می‌شود؛ چرا که در این حالت، صادرکننده کارت، بدهکار دارنده کارت است و حواله تاجر از باب حواله بر مالی است که دارنده کارت بر ذمه صادرکننده دارد. در کتاب ها/یه آمده است:

اگر مردی هزار درهم پیش کسی ودیعه گذاشت، سپس به آن حواله داد، جایز است؛ چون او قادرتر

به پرداخت بدهی است (الهدایة فی شرح بدایة المبتدی: ج ۳، ص ۱۰۰).

حالت دوم: این که دارنده کارت پشتوانه یا تضمین مالی نزد صادرکننده کارت نداشته باشد. در این حالت، ما با قرارداد حواله مواجه نیستیم؛ بلکه با معامله دیگری مواجه خواهیم بود.

حنباله معتقدند: این قرارداد، قرارداد وکالت است. بهوتی در *الروض المرعب* می گوید:

اگر حواله دهد بر کسی که طلبی بر ذمه او ندارد، این وکالت است.

مالکيه معتقدند: این قرارداد، قرارداد حَمَاله است. صادرکننده کارت متعهد شده است از طرف دارنده کارت، آنچه به صورت بدهی ثبت شده، تحمّل کرده، بپردازد. قرافی در *الناخیره* می گوید:

اگر خانهات را به ده درهم کرایه دادی و او تو را به کسی که طلبی از وی ندارد، حواله داد (در گرفتن کرایه) جایز است و این قرارداد حَمَاله است.

ب. وکالت

برخی مانند دکتر وهبه الزحیلی می گویند:

کارت های اعتباری یا از قبیل حواله با کارمزد هستند، مثل حواله های بانکی که همه در مقابل کارمزد قرار دارند یا از قبیل وکالت با کارمزد هستند (مجله مجمع الفقه الاسلامی، جلد ۱/۷/۶۶۹).

تصویر عقد وکالت در کارت های اعتباری

زمانی که متقاضی با صادرکننده کارت قرارداد امضا می کند، گویا او را وکیل می کند که تمام بدهی های ناشی از به کارگیری کارت را بپردازد. وقتی دارنده کارت، کالایی را می خرد، تاجر، فاکتور خرید را برای صادرکننده کارت می فرستد و او در جایگاه وکیل در پرداخت، بهای کالا را می پردازد؛ سپس آن را از حسابی که دارنده کارت دارد کم می کند و اگر حسابی ندارد، به او مراجعه، و دریافت می کند.

نقد نظریه وکالت

این نظریه از چند جهت قابل نقد است:

۱. عقد وکالت بین دو طرف است: موکّل و وکیل؛ در حالی که در کارت اعتباری، قرارداد بین سه طرف است: دارنده کارت، تاجر و صادرکننده کارت.
۲. به اعتقاد جمهور فقیهان، موضوع وکالت باید هنگام قرارداد موجود باشد. فقط بنا به یک قول از دو قول شافعیه جایز است موضوع وکالت هنگام تصرف موجود باشد؛ هر چند هنگام قرارداد موجود نیست (ردالمختار: ج ۴، ص ۴۱۸؛ نهایة المحتاج: ج ۵، ص ۲۰ و ۲۱؛ الفروع: ج ۴، ص ۳۳۷)، و در کارت اعتباری موضوع عقد وکالت (بدهی) هنگام قرارداد وجود ندارد.

۳. در عقد وکالت، وکیل، به پرداخت بدهی از طرف موکل اجبار نمی‌شود؛ در حالی که در کارت اعتباری صادرکننده کارت موظف است بدهی دارنده کارت را به تاجر بپردازد. ممکن است از این نقد پاسخ داد که وکیل بر پرداخت بدهی اجبار نمی‌شود، مگر زمانی که خود را بر این پرداخت متعهد کند. با این تعهد، وی ضامن خواهد بود و در کارت اعتباری مطلب بدین قرار است.

۴. در عقد وکالت، مال موکل امانت در دست وکیل است و اگر بدون تعدی و تجاوز تلف شود، ضامن نخواهد بود؛ در حالی که در کارت اعتباری، صادرکننده کارت در هر صورت ضامن است. ۵. در عقد وکالت می‌توان بدهی را هم از بدهکار و هم از وکیل او مطالبه کرد؛ در حالی که در کارت اعتباری نمی‌توان بدهی را از بدهکار اصلی (دارنده کارت) مطالبه کرد و مطالبه منحصر به وکیل است.

ج. قرض

تصویر عقد قرض در کارت‌های اعتباری

زمانی که صادرکننده کارت، بهای کالاهای خریداری شده به وسیله دارنده کارت را به تاجر می‌پردازد، در واقع به دارنده کارت قرض می‌دهد تا او در آینده بازگرداند و این، طبق قراردادی است که بین دارنده کارت و صادرکننده آن واقع شده است. گویا آن دو توافق کرده‌اند صادرکننده، بهای کالاهای خریداری شده به وسیله کارت را بپردازد بعد دارنده کارت در آینده آن را بازپرداخت کند.

نقد نظریه قرض

رابطه بین قرض دهنده و قرض گیرنده رابطه دوطرفه است؛ در حالی که رابطه در کارت اعتباری سه‌طرفه است، و آن سه عبارتند از: طلبکار (تاجر) بدهکار (دارنده کارت) و متصدی پرداخت بدهی (صادرکننده کارت)؛ بنابراین، صادرکننده که از طرف بدهکار، بدهی را می‌پردازد، باید نایب او باشد؛ چون ممکن نیست به صورت تبرع و مجانی این دین را وفا کرده باشد، و وقتی چنین بود، به ناچار باید کفیل یا وکیل یا محال‌علیه باشد.

د. کفالت

برخی از فقیهان و حقوق‌دانان معاصر مانند دکتر نزیه حماد، دکتر محمدعلی القری بن عید، دکتر محمد عبدالحلیم عمر، دکتر عبداللّه السعیدی و... این نظریه را مطرح کرده‌اند.

تصویر نظریه کفالت در کارت‌های اعتباری

صادرکننده کارت با دارنده کارت، قرارداد می‌بندد که به کفالت از او، بدهی‌های مترتب بر کارت اعتباری را بپردازد. زمانی که دارنده کارت، کالایی را می‌خرد، تاجر برای دریافت بهای کالا به صادرکننده کارت (کفیل خریدار) مراجعه می‌کند و صادرکننده (کفیل) طبق قراردادی که با دارنده کارت بسته، از پرداخت بهای کالا امتناع نمی‌کند. وقتی بهای کالا را پرداخت، به دارنده کارت (مکفول) مراجعه کرده، بهای پرداختی را می‌طلبد.

در حقیقت در قرارداد کارت اعتباری، صادرکننده کارت متعهد می‌شود بدهی را که برعهده دیگری است بپردازد و عقد کفالت نیز چنین است. عقد کفالت نزد جمهور فقیهان، ضمیمه کردن ذمه‌ای به ذمه دیگر در مطالبه و بدهی است (ردالمحتار: ج ۴، ص ۲۵۰؛ کافی: ج ۲، ص ۲۲۷؛ نهاية المحتاج: ج ۵، ص ۲۴۰؛ التاج والاکلیل: ج ۵، ص ۹۶). ابو ثور، داوود بن علی الظاهری، ابن ابی لیلی و ابن شبرمه می‌گویند: کفالت مثل حواله است. هر دو، حق را از ذمه مضمون به ذمه ضامن منتقل می‌کنند (المغنی: ج ۷، ص ۸۴؛ المحلی: ج ۸، ص ۵۲۲).

نقد نظریه کفالت

این نظریه از جهات ذیل قابل نقد و بررسی است

۱. اگر قرارداد بین متقاضی و صادرکننده کارت اعتباری، کفالت باشد، ضمانت چیزی که حین قرارداد ثابت نیست، لازم می‌آید؛ چون موقع قرارداد کفالت، هنوز خریدی صورت نگرفته تا بدهی ثابت شود.

از این نقد، پاسخ داده می‌شود که نزد فقیهان حنفیه، مالکیه، حنبله و نظر قدیم شافعیه، ضمانت چیزی که هنوز ثابت نشده، جایز است (الاختیار: ج ۲، ص ۱۷؛ الذخیره: ج ۹، ص ۲۰۸؛ المغنی: ج ۷، ص ۷۳؛ روضة الطالبین: ج ۴، ص ۲۴۴)، و این فقیهان به آیه ۷۲ سوره یوسف (وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ) استدلال کرده‌اند. در این آیه، حضرت یوسف علیه السلام ضمانت کرده است که هر کس پیمانۀ گمشده پادشاه را بیابد، یک بار شتر گندم بپردازد.

۲. در کارت اعتباری، هنگام قرارداد، مقدار بدهی مجهول است؛ در حالی که در عقد کفالت نباید چنین باشد.

از این اشکال نیز جواب داده می‌شود: کفالت بدهی مجهول (مثل این که بگوید: من ضامن طلب

تو در ذمه فلانی هستم، در حالی که مقدار بدهی را نمی‌داند) به اعتقاد حنفیه، مالکیه، حنبلیه و یکی از دو قول شافعیه جایز است (ردالمختار: ج ۴، ص ۲۵۱؛ اسهل المدارک: ج ۳، ص ۲۰؛ المغنی: ج ۷، ص ۷۲؛ روضة الطالبین: ج ۴، ص ۲۵۰).

به دلیل آیه‌ای که گذشت و در آن، حضرت یوسف یک بار شتر گندم را ضمانت می‌کند، در حالی که یک بار شتر گندم از جهت مقدار غیر معلوم است، از شتری به شتر دیگر تفاوت می‌کند و دیگر این‌که این ضمان، تعهد حق بدون عوض است؛ پس جهالت در آن تأثیر نمی‌گذارد.

۳. در کارت‌های اعتباری، دارنده کارت در برابر تاجر بری‌الذمه است و تاجر فقط از صادرکننده کارت، حق مطالبه دارد؛ در حالی که در کفالت چنین نیست.

از این اشکال نیز پاسخ داده می‌شود که حنفیه، مالکیه و شافعیه بنا بر یکی از دو قولش، اجازه داده‌اند (الاختیار: ج ۲، ص ۱۶۹؛ الشرح الصغیر: ج ۳، ص ۴۲۵؛ نهاية المحتاج: ج ۴، ص ۴۴۴) در عقد کفالت، برائت اضلیل از پرداخت بدهی شرط شود، و برای اثبات این مطلب به روایت جابر بن عبدالله استدلال کرده‌اند آن‌جا که نقل می‌کند: مردی از دنیا رفت؛ او را غسل دادیم؛ کفن کردیم؛ جنوط کردیم؛ و برای نماز رسول‌الله ﷺ آماده کردیم، و در جایی که جنازه‌ها را قرار می‌دادند (مقام جبرئیل) قرار دادیم؛ سپس رسول‌الله ﷺ را خبر کردیم، یا ما آمد؛ سپس پرسید: آیا بر عهده رفیق شما بدهی هست؟ گفتند: بلی، دو دینار. پس رسول‌الله ﷺ کنار کشید. مردی از ما به اسم ابوقتاده گفت: ای رسول خدا ﷺ! آن دو دینار بر عهده من باشد. رسول‌الله ﷺ پرسید: آن دو بر ذمه تو باشد؛ در مال تو باشد و میت از آن دو دینار بری باشد؟ گفت: بلی. پس رسول خدا بر آن مرد نماز خواند. بعد از آن هر وقت پیامبر ﷺ ابوقتاده را می‌دید می‌پرسید: نسبت به آن دو دینار چه کردی؟ تا این‌که گفت: ای رسول خدا ﷺ! آن‌ها را پرداخت کردم. حضرت فرمود: الان بدن مرده آرامش پیدا کرد (السنن الکبری، بیهقی: ج ۶، ص ۷۵؛ سنن الدار، قطنی: ج ۳، ص ۷۹).

ه. نظریه برگزیده

از آن‌چه توضیح دادیم، ترجیح نظریه کفالت روشن می‌شود؛ نظریه‌ای که معتقد است کارت اعتباری از باب کفالت صادرکننده کارت برای پرداخت بدهی دارنده کارت است.

حکم عوارض و عواید کارت‌های اعتباری

۱. عوارض (حق) صدور و تعویض کارت

فقیهان و حقوقدانان معاصر در جواز گرفتن، عوارض صدور یا تعویض کارت اعتباری، اختلاف نظر دارند.

دیدگاه اول: تحریم

انجمن بحوث علمی و افتای عربستان سعودی، و فقیهانی چون محمد عثیمین، بکر ابوزید، شیخ محمد مختارالاسلامی مفتی تونس، به حرمت گرفتن عوارض صدور و تعویض کارت‌های اعتباری قائل شده و بر دیدگاه خود چنین استدلال می‌کنند.

۱۳۷

اقتصاد اسلام

۱. وجود عوارض، قرارداد کارت اعتباری را به قرارداد معاوضی غرری تبدیل می‌کند و معاوضه غرری فاسد است؛ چون عوارض در مقابل دفعات استفاده از کارت است؛ در حالی که دفعات استفاده مجهول است؛ کما این‌که مقدار انتفاع مجهول است؛ پس عوارض جهالت و غرر را در بر دارد و این جهالت غرری فاسدکننده قرارداد است.

۲. این عوارض وسیله و مقدمه ربا است. پرداخت این عوارض، فرد را متمکن از گرفتن کارت اعتباری می‌کند که او را فریب داده، به خرید بیش‌تر از توان ترغیب می‌کند؛ پس بدهی‌های فرد انباشته، و در نتیجه، بهره‌های او افزون می‌شود؛ بهره‌های ربوی که صادرکننده کارت اعتباری بر عهده دارنده کارت واجب می‌کند.

دیدگاه دوم: جواز

کمیته شرعی بیت‌التمویل کویت، کمیته شرعی شرکت الراجحی، انجمن البرکة الثانیة عشر، دکتر رفیق المصری، عبدالله بن منیع، و عبدالوهاب ابوسلیمان و دیگران، به جواز گرفتن عوارض قائل شده، در مقام استدلال می‌گویند:

عوارضی که دارنده کارت می‌پردازد، به دو بخش تقسیم می‌شود: بخشی از آن در مقابل هزینه‌هایی است که صادرکننده کارت در صدور کارت متحمل می‌شود؛ مانند قیمت پلاستیک، هزینه ساخت کارت، هزینه چاپ، اجرت کارکنان و اجاره مراکزی که برای توزیع کارت لازم دارد، بهای آب و برق و هزینه تعویض ابزار و آلات و سایر هزینه‌ها و بخشی دیگر، بهای حق است (و حقوق قابل خرید و فروش هستند) حقی که صادرکننده کارت در اختیار دارنده کارت می‌گذارد؛ مانند حق دستیابی به تخفیف در بهای برخی خدمات، حق دستیابی به پول نقد، حق دستیابی به کالا بدون

پرداخت بهای آن به صورت نقدی، و امثال این حقوق؛ پس دارنده کارت، عوارض را در مقابل برخورداری از این حق می‌پردازد با قطع نظر از این‌که از این حق استفاده نکند یا استفاده نکند.

دیدگاه برگزیده

به اعتقاد من، گرفتن عوارض صدور و تعویض کارت جایز است؛ چون این عوارض در مقابل دفعات استفاده از کارت نیست - چنان‌که قائلان به دیدگاه تحریم گمان می‌کنند - بلکه عوارض، بهای حقیقی است که صادرکننده کارت در اختیار دارنده کارت قرار می‌دهد؛ اما استدلال دیگر قائلان به تحریم که می‌گفتند: وجود عوارض، فرد را از داشتن کارت متمکن می‌کند و این تمکن او را به سوی ربا می‌کشاند و به این جهت از باب جلوگیری از مقدمه حرام، حرام شده است، پاسخ داده می‌شود که توسعه در سلب ذرایع و تحریم مقدمات حرام، جایز نیست؛ چون توسعه در آن، به حرج و مشقت منتهی می‌شود؛ در حالی که خداوند در آیه ۷۸ سوره حج (۲۲) می‌فرماید: «وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ». خداوند در دین، هیچ حکم حرجی قرار نداده است.

اگر قرار باشد به حرمت قائل باشیم، چون احتمال می‌رود که دارنده کارت به ربا بیفتد، واجب است حکم کنیم نگهداری چاقو در آشپزخانه حرام است؛ چرا که ممکن است صاحب منزل آن را در کار خلاف به‌کار گیرد؛ پس هر مقدمه‌ای معتبر نیست. موقعی مقدمه از باب سلب ذرایع حرام می‌شود که مقدمه غالبی باشد و غالب مسلمانان دارنده کارت‌های اعتباری، به خود اجازه نمی‌دهند آن‌ها را به صورت ربوی به کار گیرند.

۲. عوارض دریافت پول نقد

گفته شد که دارندگان کارت، هنگام نیاز به پول نقد می‌توانند با استفاده از کارت، پول نقد دریافت کنند؛ اما در مقابل باید عوارضی بپردازند. فقیهان و حقوقدانان معاصر در حکم عوارض دریافت پول اختلاف دارند و میان آنان سه دیدگاه مطرح است.

دیدگاه اول: حرام، مطلقاً

مطابق این دیدگاه، چه عوارض، درصد معینی در مقایسه با مبلغ دریافت شده باشد و چه رقم مقطوعی باشد، حرام است. کمیته شرعی شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی، کمیته شرعی بانک عربی اسلامی، دکتر عبدالوهاب ابوسلیمان، دکتر علی‌السالوس، دکتر محمدالقرنی بن عید و دیگران، این دیدگاه را دارند و بر این دیدگاه استدلال می‌کنند که دریافت پول نقد به وسیله کارت اعتباری،

قرضی از طرف صادرکننده کارت به دارنده کارت است و وقتی قرض دهنده (صادرکننده) زیاده‌ای از آنچه قرض داده می‌گیرد (عوارض دریافت پول نقد) در حقیقت زیاده گرفته و آن زیاده ربا است.

دیدگاه دوم: جواز، مطلقاً

بر اساس این دیدگاه، چه عوارض، درصدی از مبلغ دریافت شده باشد و چه رقمی مقطوع، جایز است. کمیته شرعی بیت‌التمویل کویت، انجمن البرکه، عبدالستار ابوغده، حسن الجواهری این دیدگاه را دارند و استدلال می‌کنند که عوارض مذکور کارمزد خدمتی است که صادرکننده کارت اعتباری ارائه می‌دهد تا صاحب مال (دارنده کارت) هر وقت بخواهد به مال خود دست یابد.

بر این استدلال اشکال شده است که اگر عوارض مذکور مبلغ مقطوعی باشد (ارتباطی به کمی و زیادی بدهی نداشته باشد) می‌تواند کارمزد خدمت تلقی شود؛ اما زمانی که نسبتی از بدهی (پول نقد دریافت شده) باشد، به ربا نزدیک‌تر است تا به کارمزد خدمت، چون خدمتی که در پرداخت یک دینار ارائه می‌شود، با خدمتی که در پرداخت هزار دینار ارائه می‌شود یکسان است؛ پس لازم است کارمزد خدمت یک دینار با هزار دینار یکی باشد.

دیدگاه سوم: جواز، در صورتی که عوارض رقم مقطوعی باشد

مطابق این دیدگاه، اگر عوارض، مبلغی مقطوع و معادل هزینه‌های صادرکننده و خدمتی که دارنده کارت از آن استفاده می‌کند، باشد جایز است؛ اما اگر درصدی از پول نقد دریافت شده باشد یا بیش‌تر از هزینه‌ها و خدمتی باشد که دارنده کارت استفاده می‌کند، جایز نیست. اندازه هزینه‌ها و ارزش خدمت به تشخیص اهل خیره (کارشناس) تعیین می‌شود. این دیدگاه، دیدگاهی است که من هم عقیده دارم و کمیته شرعی شرکت بانکی الراجحی نیز نزدیک به این دیدگاه را دارد.

در گرفتن عوارضی مازاد بر هزینه‌ها و ارزش خدمت، من بین دو حالت فرق می‌گذارم. حالتی که دارنده کارت نزد بانک پشتوانه و حسابی دارد و از آن حساب برداشت می‌کند. در این حالت، برای بانک جایز است کارمزد خدمتی را که ارائه می‌کند، دریافت کند - چون قرضی در کار نیست که شبهه ربا پیش آید - اما در حالتی که دارنده کارت، پشتوانه و حسابی نزد بانک ندارد، بانک نمی‌تواند زیاده‌تر از آنچه پرداخت کرده، دریافت کند؛ چون بانک در این حالت، قرض دهنده است و اجتماع قرارداد قرض و اجاره، و قرض و بیع جایز نیست؛ چون در آن، شبهه ربا وجود دارد.

۳. عوارض خرید کالا به وسیله کارت اعتباری

گاهی صادرکننده کارت اعتباری بردارنده آن شرط می‌کند که مبلغی مقطوع یا نسبتی از هر فاکتور خرید کالا یا خدمت را که بر کارت ثبت می‌شود بپردازد؛ برای مثال، صادرکننده‌ای شرط می‌کند که دارنده کارت یک درصد از قیمت هر فاکتور را، به صورت عوارض خرید بپردازد. وقتی دارنده کارت، با استفاده از آن ۱۰۰۰ دینار خرید می‌کند، بر او لازم می‌شود که ۱۰۱۰ دینار به صادرکننده بپردازد؛ ۱۰۰۰ دینار در قبال فاکتور و ۱۰ دینار به صورت عوارض خرید.

کمیته شرعی بیت‌التمویل کویت و حسن الجواهری، گرفتن چنین عوارضی را جایز می‌دانند و بر آن استدلال می‌کنند که این عوارض، کارمزد وکالت در پرداخت است به این معنا که دارنده کارت، صادرکننده کارت را وکیل خود کرده که بهای کالاهای خریداری شده به وسیله کارت را از طرف او بپردازد و صادرکننده کارت بر این وکالت کارمزد می‌گیرد و گرفتن کارمزد در قرارداد وکالت جایز است.

بر این دیدگاه اشکال شده است که رابطه بین دارنده کارت و صادرکننده، رابطه وکالت نیست تا کارمزد وکالت دریافت کند؛ بلکه رابطه - چنان‌که گذشت - رابطه کفالت است و این کفالت، کفالت مصرفی است، نه کفالت سرمایه‌گذاری، و گرفتن کارمزد در کفالت مصرفی به اتفاق فقیهان جایز نیست؛ پس وقتی که این عوارض، کارمزد وکالت نشد (چون وکالتی در کار نیست) و کارمزد کفالت هم نشد (چون گرفتن کارمزد بر کفالت مصرفی جایز نیست) زیاده بر بدهی خواهد بود که ربا است.

۴. عوارض تبدیل پول معامله به پول رایج کارت اعتباری

هنگام قرارداد بین متقاضی کارت اعتباری و صادرکننده، نوع پولی که معاملات کارت اعتباری، به آن پول خواهد بود، تعیین می‌شود؛ مانند دلار، دینار، لیره یا غیر آنها. وقتی پول رایج کارت اعتباری تعیین شد (برای مثال دینار)، اگر دارنده کارت نیازمندی‌های خود را به دلار بخرد، صادرکننده کارت فاکتور را از تاجر گرفته، به دینار تبدیل می‌کند؛ سپس اگر دارنده کارت، پیش بانک حساب دارد، از حساب او کسر می‌کند و اگر حساب ندارد، از او دینار می‌طلبد. صادرکننده کارت در این تبدیل دلار به دینار، عوارض معینی را به صورت عوارض تبدیل می‌افزاید.

بانک مرکزی، در معاملات پولی با پول دیگر، قیمتی را برای فروش و قیمت دیگری را برای خرید تعیین می‌کند. بر این اساس، وقتی دارنده کارت، کالایی را به دلار می‌خرد مجبور است به

قیمت خرید، به صادرکننده کارت، دینار پردازد و روشن است که ارزش دینار در مقام خرید دلار پایین تر از ارزش آن موقع فروش دلار است. افزون بر این، دارنده کارت، عوارض دیگری در قبال تبدیل پول می پردازد؛ عوارضی که برای استفاده از ویژگی کارت اعتباری به توافق رسیده بودند. به این ترتیب، بانک از مشتری دارنده کارت دو بار استفاده می کند. یک بار از فرق بین قیمت خرید و فروش پول به پول دیگر، و بار دوم، عوارضی که برای عملیات تبدیل پول به پول دیگر دریافت می کند.

حکم شرعی عوارض تبدیل

فرض کنید هیچ اختلافی در جواز تعیین دو قیمت برای خرید و فروش پول به پول دیگر نباشد و صادرکننده کارت، قیمتی را برای خرید و قیمتی را برای فروش پولی به پول دیگر تعیین کند. چون این عمل داخل در معامله صرف می شود و صرف از تجارت های صحیح است، وقتی کسی پولی را به قیمتی می خرد، حق دارد به هر قیمت دیگری بفروشد مادامی که غبن فاحش نباشد (پس سود حاصل از اختلاف دو قیمت مانعی ندارد)؛ اما عوارضی که صادرکننده کارت به صورت عوارض تبدیل می گیرد، محل اختلاف است.

دیدگاه اول: جواز

گروهی چون کمیته شرعی بانک فیصل اسلامی و شیخ محمد مختار اسلامی مفتی تونس، به جواز قائل هستند و می گویند: این عوارض بهای خدماتی است که بانک برای دارنده کارت ارائه می کند و هیچ مانع شرعی که از آن جلوگیری کند، وجود ندارد.

دیدگاه دوم: حرمت

گروهی چون دکتر عبدالوهاب ابوسلیمان و دکتر علی السالوس گرفتن این عوارض را جایز نمی دانند و معتقدند: صادرکننده کارت در معامله صرف (خرید و فروش دو پول با یک دیگر) به قیمتی که با دارنده کارت به توافق رسیدند، پول دارنده کارت را خریده است (تبدیل به پول دیگری کرده است) و گرفتن مبلغی افزون بر آن به صورت عوارض تبدیل، مجوز شرعی ندارد و از باب «اکل اموال الناس بالباطل» خواهد بود.

به اعتقاد من نیز دیدگاه دوم صحیح است؛ چرا که گرفتن عوارض تبدیل، گرفتن عوارض بدون عوض بوده و اکل مال بباطل و حرام خواهد بود.

۵. فواید قسط‌بندی بدهی دارنده کارت

بعضی صادرکنندگان کارت‌های اعتباری برای دارندگان کارت‌ها، اجازه می‌دهند که بهای کالاهای خریداری شده به وسیله کارت را در اقساط ماهانه بپردازند و این اجازه در مقابل فواید معینی است که به صادرکننده کارت می‌پردازند. فقیهان و حقوقدانان معاصر اتفاق دارند که این فواید ربا است و در دین خدا حلال نیست.

۶. عواید تأخیر پرداخت بدهی

گاهی دارنده کارت در پرداخت بدهی حاصل از به کارگیری کارت، به صادرکننده تأخیر می‌کند. در این فرض، صادرکننده، پرداخت مبلغی مقطوع یا نسبی معین در مقایسه با آنچه باقی مانده، بر عهده دارنده کارت می‌افزاید. فقیهان معاصر، اختلافی ندارند که این زیاده ربا است.

اگر گفته شود: این فتوا، دارندگان کارت را جری می‌کند تا در وفا به تعهدشان در قبال صادرکنندگان کارت، اخلال کنند، پاسخ می‌دهیم: صادرکننده حق دارد از طریق قضایی با چنین افراد برخورد کند و قاضی بر چنین افرادی جرایمی وضع می‌کند که آنان را بازدارد؛ از جمله وادار کردن آنان به پرداخت ضرری که به صادرکننده کارت وارد کرده‌اند؛ البته اگر ضرر روشن وجود داشته باشد.

۷. فوایدی که صادرکننده کارت از تاجر می‌گیرد

کارت‌های اعتباری، محرک‌های قوی برای خرید هستند؛ هرچند دارنده آن‌ها مفلس باشد و به این سبب، تاجران به معامله با این کارت‌ها علاقه دارند؛ چرا که این کارت‌ها بر فروش آنان می‌افزاید و به همین جهت، بعضی تاجران و صاحبان مراکز خدماتی، برخی مزایا برای دارندگان کارت در نظر می‌گیرند و در همان حال، این کارت‌ها منشأ سود برای صادرکننده کارت نیز هست؛ چرا که او کارمزد معینی از تاجر می‌گیرد؛ یعنی از هر فاکتوری که تاجر ارائه می‌کند، مبلغ معینی (در مقایسه با مبلغ فاکتور) برای خودش کسر می‌کند. فقیهان معاصر در حکم شرعی این فواید اختلاف نظر دارند.

دیدگاه اول: تحریم

ابراهیم الدبوی، بکر ابوزید و عبدالله السعیدی به تحریم این فایده قائل هستند و استدلال می‌کنند

که این کسر از مبلغ فاکتور، تشابه بسیاری به تنزیل اوراق تجاری دارد. وقتی تاجر فاکتور خرید دارنده کارت را به صادرکننده کارت ارائه می‌کند (این فاکتور به منزله چک بدهی است) صادرکننده کارت، فاکتور را برای تاجر تنزیل کرده، مبلغی کم‌تر از آنچه در فاکتور نوشته شده، به تاجر می‌پردازد و این از باب فروش بدهی به قیمتی کم‌تر به شخصی غیر از طلبکار است که ربا و حرام است.

بر این استدلال از دو جهت اشکال شده است: اولاً تنزیل اسناد بدهی مربوط به اسنادی است که هنوز زمان پرداخت آن‌ها نرسیده است؛ در نتیجه تنزیل سبب می‌شود که زمان در مقابل مال قرار گیرد و این ربا است؛ اما در این‌جا، بدهی که در فاکتور خرید آمده، بدهی مدت‌دار نیست؛ بلکه بدهی حال و سررسید شده است. ثانیاً تنزیل اسناد تجاری به وسیله بانک صورت می‌گیرد که هیچ ارتباطی به معامله ندارد؛ اما کسر مبلغ فاکتوری که بر کارت اعتباری ثبت شده به وسیله صادرکننده کارت اعتباری است که طرف اصلی معامله شمرده می‌شود؛ چرا که او ضامن دارنده کارت نزد تاجر است.

دیدگاه دوم: جواز

کمیته شرعی بیت‌التمویل، کمیته شرعی شرکت الراجحی، انجمن البرکة الثانية عشرة، حسن الجواهری، عبدالستار ابوغده، نزیه حماد، وهبة الزحیلی، رفیق المصری، عبدالوهاب ابوسلیمان و دیگران گرفتن چنین فایده‌ای را جایز می‌دانند و بر این جواز به موارد ذیل استدلال می‌کنند:

۱. این فایده‌ای که صادرکننده کارت از تاجر می‌گیرد، در واقع کارمزد دریافت بهای کالا از دارنده کارت و پرداخت آن به تاجر است.
۲. این فایده در مقابل خدماتی است که صادرکننده کارت به تاجر ارائه می‌کند؛ مانند اعلان اسم تاجر به دارندگان کارت که او با کارت‌های اعتباری معامله می‌کند؛ ارتباطات تلفنی که با تاجر برقرار می‌کند؛ ارتباط دادن تاجر به دستگاه محاسبه‌گر کارت اعتباری و مکاتبات گوناگونی که برای تاجر صادر می‌کند و امثال آن‌ها.
۳. این فایده، اجرت واسطه‌گری و دلالی برای تاجر است؛ چرا که صادرکننده کارت، با آوردن اسم تاجر در فهرست تجاری که با کارت‌های اعتباری معامله می‌کند، مشتریان را

به سمت او راهنمایی می‌کند.

از مطالبی که گذشت، رجحان دیدگاه دوم معلوم می‌شود؛ دیدگاهی که اجازه می‌دهد صادرکننده کارت از مبلغ فاکتوری که تاجر ارائه می‌کند، کارمزد معینی را در قبال دریافت و پرداخت قیمت فاکتور و تحمل سایر هزینه‌ها کسر کند.

۱۴۴

اقتصاد اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سال چهارم / تابستان ۱۳۸۳